

متن پرسش

با عرض سلام و خدا قوت: نظر شما درباره این مطلب: از یکی از شاگردان آیت الله ابراهیم جناتی شنیدم که از قول ایشان می‌گفت: «ای کاش آنقدر پول داشتیم که طلبه‌ها و علما را می‌فرستادم اروپا را ببینند و بفهمند دنیا به اندازه ی قم نیست.» یک نمونه‌ی بسیار جالبِ دیگر، مرحوم علامه طباطبایی است که دیدگاه بسیار بدبینانه‌ای نسبت به غرب و تمدن غربی داشتند (برای نمونه بنگرید به: تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۶۰-۱۷۵). اما این دیدگاه در سفر ایشان به غرب و مشاهده‌ی خوبی‌های آنها در کنار بدی‌هایشان تعدیل شد. دکتر احمد احمدی اخیراً در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که علامه طباطبایی پس از سفر به لندن، نگاه قبلی‌اش به غرب را نامهربانانه و غیرمنصفانه می‌شمرد. دکتر احمدی می‌گوید: «... موقع رفتن، پلیس خیلی به آقای طباطبایی احترام گذاشت. همان جا من به ایشان گفتم: حاج آقا شما در نوشته‌هایتان خیلی به اروپا تاخته‌اید. اگر قبلاً آمده بودید و نظم و انضباط اینجا را دیده بودید، آیا اینقدر به این‌ها می‌تاختید؟ فرمود: نه. توجه می‌کنید. فرمود: نه. یعنی یک انصافی در این مرد عالی مقام بود و آنچه را که حق می‌دید، آن را درست می‌انگاشت؛ و آنچه را که نادرست می‌دید، طرد می‌کرد»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اتفاقاً این نکته‌ی بسیار مهمی است و جناب آقای دکتر رضا داوری نیز در کتاب ارزشمند «خرد سیاسی در جهان توسعه‌نیافتگی» به همین نکته اشاره می‌کنند که اگر فرهنگ غربی با سکولاریته‌بودنش انسان را از حیات متعالی محروم می‌کند، نباید از عقل تکنیکی آن که همراه با نظم خاصی می‌باشد، غفلت کرد، چرا جهان توسعه‌نیافته به بهانه‌ی بدی فرهنگ غربی، خود را باید از نظم تکنیکی آن محروم کند و یا چرا آن‌چنان شیفته‌ی آن نظم دنیایی بشویم که فراموش کنیم ما معنای زندگی را باید در فرهنگی متعالی‌تر از فرهنگ غربی با سکولاریته‌بودنش جستجو کنیم. موفق باشید